بررسی کیفیت نزول لفظی و معنوى قرآن کریم از منظر روایات

سید رضا مهدی فقیه

چکیده:

نروهما حاضر با استناد به روایات منقول در صنعت شیعه به ایمان نظریه نزول لفظی و معنوى قرآن کریم نیز نسبت نزول قرآن کریم به زبانی یکی و یکی در ابتدا و بعد از قرآن کریم به خواهند. مدل شیعه مقام معنا نزول در مقام معنا نزول در مقام معنا نزول در مقام معنا نزول در مقام معنا نزول در مقام معنا نزول در مقام معنا نزول در مقام معنا نزول در مقام معنا نزول در مقام معنا نزول در مقام معنا نزول در مقام معنا نزول در مقام معنا نزول در مقام معنا نزول در مقام معنا نزول در مقام معنا نزول در مقام معنا نزول در مقام معنا نزول در مقام معنا نزول در مقام معنا نزول در مقام معنا نزول در مقام معنا نزول در مقام معنا نزول در مقام معنا نزول در مقام معنا نزول در مقام معنا نزول در مقام معنا نزول در مقام معنا نزول در مقام معنا نزول در مقام معنا نزول در مقام معنا نزول در مقام معنا نزول در مقام معنا نزول در مقام معنا نزول در مقام معنا نزول در مقام معنا نزول در مقام معنا نزول در مقام معنا نزول در مقام معنا نزول در مقام معنا نزول در مقام معنا نزول در مقام معنا نزول در مقام معنا نزول در مقام معنا نزول در مقام معنا نزول در مقام معنا نزول در مقام معنا نزول در مقام معنا نزول در مقام معنا نزول در مقام معنا نزول در مقام معنا نزول در مقام معنا نزول در مقام معنا نزول در مقام معنا

کلیدواژه‌ها:

قرآن کریم، نزول لفظی و معنوى، سروش، کیفیت نزول، نظریه، 

moadab_113@yahoo.com

Younesi313@gmail.com

اسلام دانشگاه قم

* مدرس دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهر ری

** مدرس دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهر ری
مقدمه

یکی از موضوعات مورد توجه در بحث علوم قرآن، کیفیتِ نزول قرآن کریم از نظر لفظِ با معناست که عبادِ کریم سروش در نظرهای اسفهی تجربه نموی، و در پس آن، مصاحبهِ «کلام محمد»، به یکی از نظرهای جامع‌انگردر موضوع کیفیتِ نزولِ دستِ پاژیده‌است، این نظریه حاملِ بی‌باید است، به این معنی که قرآن کریم از نظرِ معنایی از سوی خداوند متعلق نزول شده، و از نظر لفظِ به همست پیامبرِ اکرم نتیجه‌شنده است.

اما با سپری در روايات، به نظر می‌گردد که در دیدگاه سروش، دستِ مسی پویایی؛ روايات تصريح‌دارند که لفظِ و معنا‌ها در این سوی خداوند متعلق است، و پیامبرِ اسلام نیما به‌یکدست و تبیین است و در این تبیین‌‌و‌انتهای آنان، آیاتِ علی‌الگونه‌های که در اصل بوده و در سوی خداوند متعلق نزول شده، به مردم ابلاغ‌فرموده است، از این رو، در این روش‌ها نتوانه‌شده، در مقالهِ بسیاری از کلامِ محمد و مصاحبه، کلام محمد به بررسی و نقید این دیدگاه‌ها تاکید نشده است.

نویسنده‌کننده این مقاله، به‌یانی در بهره‌های متعلق به اقامتِ قرآنتی در نظر، نظریه‌زداده است، در اینجا که به‌یکی از مستندات مهم و اساسی در مباحث علومِ اسلامی، روايات‌های زبانِ نزولِ اکرم و اینه معصوم‌دین است، در این جستارِ سعی شده است با استفاده در روايات به نقدِ نظریه‌بسط تجربه نبیِ برداخته شود.

از این نظریه‌ها بسط تجربه نبی با توجه به روايات

هر کس با دقت به سبکِ و روشِ قرآن کریم بناشد، در میانی باید که قرآن کریم با انفعال و تعابیری که دارد و حیاتِ کلام خدا، و نزولِ شده از ناحیه‌ای از روايات و پیامبرِ اکرم نیست، گیروگراپ و ماجور به ابلاغِ آن است و از توجه به عصمتِ آن حضرتِ، و امانداری ایشان که در جای‌خودِ آثارِ شده است، تنها آن حضرتیِ تغییرِ جر و وسایطِ در ابلاغ کلامِ خداوند متعلق‌نادرد و چنین نتیجه که انفعال قرآن کریم ساخته‌دهن آن حضرت باشند. برایِ ایساتِ ادعاَی خودِ الدلایلِ از رواياتِ موآدم‌نیا هستیتِ ادعایِ خودِ آثارِ کتبی و نظریات دیده را با این ادعا مردود نشان می‌دهیم، اما پس از وردود به
بیوپسی کبیت نژول لغزش و معنی قرآن کریم از منظر روایات

ادله مورد توجه، کلیاتی از نظریه سروش در قالب تعريف مطرح می‌شود.

اگر بخواهیم در بیان موثر و در عین حال جامع و کمالی، تمامی وجه از وجه نظریه بسط

نجره بندی را مطرح کنیم، باید به سوی سقوط به دیدگاه سروش، بیان کنیم که نجوی افرادی

ویا است. اینگونه انجام داده شده که مضمون برخی از اصطلاحات بیشتر می‌شود. مضمون ویا است که به این

را نمی‌توان به همان شکل به مردم عرضه کرد. جنون ناقلری از فهم آنها و حتی ویا روای

کلمات است. این ویا برخوردار است و وظیفه شخص بیانان است که به این

مضمون برخوردار صورتی بیان کند تا آن را در دسترس همسایگان قرار دهد. انجام که

بیانکر مانند یک شاعر، این اهمیت را به زبانی که خود می‌داند، و به سبکی که خودش به آن

انشراق دارد، و با تصاویر و دانشی که خود در اختیار دارد، منقل کرده به آن

شخصیت او نیز نقش مهمی در شکل دادن به این متن ایفا می‌کند. تاریخ زندگی خود را

بدرش، مادرش، کودکی و حتی احوالات و روحیت در این متن دارند و اینکه افرادی

را می‌خوانند و حس می‌کنند که بیانگر گاهی اوقات شاد و طرفدار و بسیار فصیح است،

و زمانی بیرامال و در بیان صحنه حسی بسیار عادی و معمولی است. این موضوع بیشتر در

خود را در متن قرآن باقی گذاشته است و این آن جنبه کاملاً بشری و ویا است.

در ادامه به بیان و بیوپسی ادله در رد این نظریه برداخته می‌شود.

تصریح روایات بر نژول قرآن به لغزش خاص

در روایات قرآنی به دو موضوع کتاب‌بودن و عتق خاصی دانستن قرآن کریم اشماره

شده که توجه به این دسته از روایات، مادر به این نتیجه می‌رساند که لغزش و معنی امین

کتاب، توآمان از سوی خداوند متعال نژول شده است.

در تفسیر نوراتقلای، ذیل آیات ۱۶ تا ۱۸ سورة قیامت چنین آمده است، "این حضرات

بن محمد عن آبیه علیها السلام قالت: ما آنل الله تبیک و تعالی کتاب و لواجی از العربیه

فکران یافته، معنی آیی از آن، از نماینده قومهم و که بر فی مسامع نمی‌صلی

الله عليه و آن بالعربیه، فذ الکلم به قومه کاملاً متعالی به العربیه فیاقع فی مسامع نمی‌صلیه،

(عروسی حوری، جزء ۱۴، جزء ۱۵، صفحه ۱۴۱، قسمت ۱، صفحه ۶۵، نوشته کامپیوتر، جزء ۵، صفحه ۵۱) خداوند.
تاریخ و تعلیم کتاب و وحی را نازل نکرده میگوییم به عربی، بسیار زبان قوم ایمانی به کوش ایمان رسته و آخر به کوش پیامبری به عربی رسیده، بسیار پیامبر زمانی که با قوامت سخن گفت، این کتاب و وحی به عربی گویی کوش ایمان رسیده.

در حضور نزد حضرت صادق نقل است که فرمودند: تعلیموا العربی فانها کلام الله الذي كلفها خلقه نسیخ صدق. ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۳۷۸۰، عاملی، ۱۳۸۱، ج ۱۷، ص ۳۲۷ ج۱۳۸۰، زبان عربی را باید به گوییت زیرا آن کلام حداست که به سبب این خلفات سخن کفته است.

تحليل روايات

روايات فوق را از دو منظر مورد توجه قرار می‌دهیم: یکی اکثربعدون و دیگری عربی بودن. همان‌گونه که در روایت بیان شد، این شیخ (پیامبر کربلا) کتاب است: جون کتاب است، پس فاعل‌تبار متفاوت باشد و زبان را نیاز در بر می‌گیرد و مکتوب بودن تنهایی در صورتی مکانی دارد که لفظی در میان باشد. زیرا متون که نازل‌شده زبان نیست و دیگر اینکه این لفظ و کتاب در زبان عربی همه نوزول یافته از سوی خداوند متعلص به وسله جبرئیل است به دلیل در انجا یافت نه‌سونه که ما بخواهیم لفظ فسنان کربلا را به پیامبر اکرم نسبت دهیم.

همچنین عبارت «بالعربی» که در این روایت آمده، این نشان دهنده آن است که الفاظ از سوی خداوند متعلع آمده است و گویی به لزویی دانست که این عبارت‌های وسیده زیرا اگر به قول بروینگه مقاله بنی‌تاج ترجمه‌سوزی خداوند متعلع نباشد حتماً پیامبر داده است، دیگر لفظی در میان نیست که در حال آن به هر اساسی یا عربی، با عجم و نام برد زیرا به اعتقاد سروش الفاظ از این پیامبری است و این معنی را در قائل الفاظ ریشه است (حال این حمله به مفعومی دارد که پیامبری که معنایاً از سوی خداوند آخذ کرده در حال لفظ به‌کونیت: «زین فسانه به عربی نازل نشده» است») زیناً فسنان که لفظ نیست که پیامبر به زبانی نازل نشود و لفظ را به پیامبر اکرم

خود به آن داده است.
پس نتیجه آنکه کتاب بوئن، و دارای روابط خاص چون عربی بدون قرآن کریم،
تعارض داشت با نظر سوس و شریف.

نسبت نزول قرآن کریم به خداوند متعلق در روایات

با سبب در روایات به این نتیجه می‌رسیم که نزول قرآن کریم به خداوند متعلق نیست.

داده شده و شاید در این باره لفظی بر نظر سوس و شریف وارد نباشد، اما در این دسته از
روایات عبارتی به کار رفته که نزول صرفاً معنوی یا به سوس و شریف به آن تأکید دارد، و

در کنار این دیدگاه با نقل روایات، این موضوع مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در روایت است که "سید آیت الله سلیمان انصاری قرآن [مطلبی] از قرآن و نیز در آن این نوع...

فقط"<مجملیه، 1383، ص 3101، ج 42> و "نیز، عثمان بن مسلم بن عثمان، احسان...

خود، ما هر قرآن و نیز کلام کلمه کلام کلمه از کلام الله آنزل اذعان رعوس و حسین علی...

صرفاً، 1382، ص 101، ج 42، این قرآن کریم نیست مگر کلام کلمه از کلام خدا که آن

را نازل کرده و در ماه رمضان خدا با خاصیت است (مطلع قرآن کریم است که

به عنوان میراث در اختیار اهل بیت بوده است)."

در معما، احبار روابط این شده که این الحسین بین زیاد العظار قال قلست. لبی

عبدالمکیه، و دیگر نویسنده‌های نازلین از قرآن و آنها، لازم نیست به‌الخصوص

بدون آنکه کتاب بوئن، و دارای روابط خاص چون عربی بدون قرآن کریم،

تعارض داشت با نظر سوس و شریف.

نسبت نزول قرآن کریم به خداوند متعلق در روایات

با سبب در روایات به این نتیجه می‌رسیم که نزول قرآن کریم به خداوند متعلق نیست.

داده شده و شاید در این باره لفظی بر نظر سوس و شریف وارد نباشد، اما در این دسته از
روایات عبارتی به کار رفته که نزول صرفاً معنوی یا به سوس و شریف به آن تأکید دارد، و

در کنار این دیدگاه با نقل روایات، این موضوع مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در روایت است که "سید آیت الله سلیمان انصاری قرآن [مطلبی] از قرآن و نیز در آن این نوع...

فقط"<مجملیه، 1383، ص 3101، ج 42> و "نیز، عثمان بن مسلم بن عثمان، احسان...

خود، ما هر قرآن و نیز کلام کلمه کلمه از کلام الله آنزل اذعان رعوس و حسین علی...

صرفاً، 1382، ص 101، ج 42، این قرآن کریم نیست مگر کلام کلمه از کلام خدا که آن

را نازل کرده و در ماه رمضان خدا با خاصیت است (مطلع قرآن کریم است که

به عنوان میراث در اختیار اهل بیت بوده است)."

در معما، احبار روابط این شده که این الحسین بین زیاد العظار قال قلست. لبی

عبدالمکیه، و دیگر نویسنده‌های نازلین از قرآن و آنها، لازم نیست به‌الخصوص

بدون آنکه کتاب بوئن، و دارای روابط خاص چون عربی بدون قرآن کریم،

تعارض داشت با نظر سوس و شریف.

نسبت نزول قرآن کریم به خداوند متعلق در روایات

با سبب در روایات به این نتیجه می‌رسیم که نزول قرآن کریم به خداوند متعلق نیست.

داده شده و شاید در این باره لفظی بر نظر سوس و شریف وارد نباشد، اما در این دسته از
روایات عبارتی به کار رفته که نزول صرفاً معنوی یا به سوس و شریف به آن تأکید دارد، و

در کنار این دیدگاه با نقل روایات، این موضوع مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در روایت است که "سید آیت الله سلیمان انصاری قرآن [مطلبی] از قرآن و نیز در آن این نوع...

فقط"<مجملیه، 1383، ص 3101، ج 42> و "نیز، عثمان بن مسلم بن عثمان، احسان...

خود، ما هر قرآن و نیز کلام کلمه کلمه از کلام الله آنزل اذعان رعوس و حسین علی...

صرفاً، 1382، ص 101، ج 42، این قرآن کریم نیست مگر کلام کلمه از کلام خدا که آن

را نازل کرده و در ماه رمضان خدا با خاصیت است (مطلع قرآن کریم است که

به عنوان میراث در اختیار اهل بیت بوده است)."
أيها الناس إن الله تبارك وتعالى أرسل إليكم الرسول وتسليم إليكم الكتاب بالحق...هـمان ج ١٥ ص ٧٠ باب الرؤى إلى الكتاب والسماع وليست شرًا من الحلال و الحرام وجميع ما يختص الناس إليه إلا وقَد جاء فيه كتاب أو سورة ح اسم المؤمنين فقوموا خذوا تبارك وتعالى رسول الله صلى الله عليه وسلم على سبيل المثال را كه به حق وهممون است نازل كرده...عن حمزة بن سلمة قال سمعت أبا جعفر يقول إن في بعض ما أنزل الله من الكتب...هـمان ج ١٥ ص ٦٥ باب الحس والشعر ح ٢: شبيبدم ابا جعفر مي فرسود همما بر بعض أو أخرى خذوا كتب نازل كرده است.

تحليل روايات
نسبت نزل القرآن الكريم في ابن رواياته خذوا متعال داده شهادة وله جاها: جبر نتلقي وحيد. رأى يامير به مقطع نزل نظر كرده نشده است. نلها اشكي بي نظرية مورد بحث بينهما زيرا في نظرية مورد بحث مسألة نزل اسو خذوا متعال مورد قبول است. ونلها اشكي كرده نزل است. أنابيب نظر لنظر زيدا به دهني يامير مي داده.

اما أنجب در نظرية سروش ابن روايات استفاده مي شود. عرامش عين غريب انبث熙: غريب ما أنزل الله من كتبه إن الله تبارك وتعالى أرسل إليكم الكتاب وسلم ونزل إليه الكتب بالحق إن الله تبارك وتعالى أنزل في القرآن.. وما وعده الله عفر وجل عليه النور في القرآن ما هو القرآن ولكن كلام من كلام الله بشر عليها وابن آسر الله بذلك القرآن.

له في هيللي فسوق به صوت تكية نشده بسبار شده است:
فالله أنجب فرستاده شده بالقاب كتاب است ورط السلفيياني كه تبلا أفاده شده هسر أنجب مكتوب است مست多彩 داشين لفظ است بين القرآن الكريم ملحوظة اسو خذوا متعال نازل شده است.

ب. أنجب فرستاده شده أصلحا خاص به نازل القرآن ناميكضاري شده است القرآن.
در طول تاریخ در جهان اسلام نام کتابی به دست کمی که بین انسانان جمعی از زبان‌های متفاوتی است و بعضی از این کتب لوکس شده است، با تعدادی مرجع متعدد و آیات معلوم و در سطعی بدون به سیاست و مذهبیت در بین مسلمانان کشتن است، پس این اصطلاح نیز تصمیم بر ملیعیت بودن قرآن کریم دارد.

یعنی اعتصاب به نزول قران کریم از سوی خداوند متعلماً توسط سروش، حمید دابلیو

بر نزل ناژند الفاظ از سوی خداوند متعلماً است.

حال بحث لغوی در مورد ریشه این ها و در فعل انزال و نزول به فراخور موضوع

ارائه می‌شود.

نزنول در اصل، باینده آمده‌شد که از بلندی به زیر است، این انزال هم می‌تواند در

منزلت و هم در منطق باشد. همگانی که نفر اول می‌پندارند، اکثر صرفاً تصمیم‌گیری‌های علمی

به‌طور کلی، در موقعیتی، در حال کنونی و در دیده می‌بینند، و در پیکر گریز و موفقیت قبلی;

آن‌ها نظر نشر و نوشت و نظارت کردن علت، و استفاده‌شان، و این‌بین تلاعی، و در حال نقل کردن

مثله حالت و نظارت بر دویل، و اعمال آن‌ها، و دوست آن‌ها، و دوست آن‌ها، و فردی که

قرا، و این با انزال أساسی به این‌ها که، انزال الحدید، و الیاس، و نحو دیگر، فدا تعلیق

الحمد لله الذي نزل على عوده الکتب که فی: (الله الذي نزى الكتب) (۶۷) و (۶۷) و

التحت احترام ۶۵ و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷) و (۶۷)...
اهل لغت بین ازوال و تنزل فرق قابل نشانه، فرق ما بین ان درا می‌شود از بعضی ایتات استفاداتی کرده مثالاً در آیه (و فرآیند) تفاوتی یافته در آن‌گاه علی مکت و تنزل (نقوله) سواه (۱۰۷ِ فرآیند، و (علی مکت) درنده است بر این‌ها مراد از (نقوله) این‌ها تست‌ریجی است.

(فرآیند، ۱۷۶ ج، ج ۴۸)

پس ماده (اتور) به منظور فرآیند آمدن یا پایین آمدن شيء با معنا نیست. در این‌جا دکتر سروش در بحث نزول فقط نزول در معنا را قبول دارد و معنیه است لفظ فرضیه باید بر از ان معنا است که پیامبر اکرم(ص) در بات کرده است حال سوال این بودست که سروش چگونه با آیتاتی که در فرآیند کریم اشاره به نزول آیات به زبان خاص دارد بایستی که در بحث معنا باشد. در این‌جا کریم ایتات داخی نشده است که این درباره یا درباره را به زبان عربی بتوان پیامبر نازل کردنی را تعیین منظوره زبان در میانی می‌نامد و زبان هم در جایی معنا می‌کند که لفظ در میانی باشد. به عبارتی ما که نمی‌توانیم کار کنیم ما این معنا را به نازل زبان عربی نازل کردنی زیرا معنا اصلاً در حصار زبان داخل نمی‌شود و امری فرآیند از زبان را شامل می‌شود و آنچه به قالب زبان در می‌آید لفظ است.

تَمین در کتاب و ستنت در روايات. دلیل رد نزول صرف‌اعنوانی

در آمزدهای دینی مسلمانان به طور عام در منبع مهم، فرآیند کریم و ستنت فعلی، قول و تقریر پیامبر اعظم(ص) و در شیعه امام موسوی(ص) مورد توجه است. این تفاوت نشان از این‌جا که تفاوتی بین در مقوله فرآیند و ستنت وجود دارد. این تفاوت قابل پذیرش است که مگر بخش از سنت قبول پیامبر اکرم(ص) نیست؟ مسلمان با پیامبرکریم اما بدل خوده‌ای نیست که این‌ها از خود می‌تواند در حضور دین و شیعه از دید، جزو واکنشی است و نتایجی بین منفی فرآیند و روايات و وجود دارد. حال اگر بخواهیم تا نظریه بیان شده و بحث فرهی شویم بعد از پیامبر اکرم(ص) بیش برایم (باید تمامی آن‌چه را از رسائل خدا نقل شده، جزو همین کلام خود همیشه، ابنه منظر یا نیست که این احتمال و ستندخواهی سبیعه مورد تأیید خداوند متعال نیست و ریشه‌لی به ندارد، ولی بحث مقاله‌ی بین آیات فرآیند کریم و روایت است. سا
وجود ابن، تمامی آنچه از پیامبر اعظم(ص) صادر شده است، مشهود اوست، چرا آیات قرآن کریم را حفظ کرده است و روایات یاد شده از ایشان، را حفظ کرده است و سه در مقدار آنها را نبرده کرده است، اینکه حفظ کرده، کلام پیامبر اعظم(ص) حاصل و لازم است، صحیح، اما آنچه برای قرآن کریم از باب ظهارت فرص شده است، سطحی بالاخر است.
با این توضیح، سه بار در مвенم احادیث و روایات رسیده از پیامبر(ص) از نبوی بهرام، و یک کتاب شاهدی جند حسنی از پیامبر اعظم(ص) برای خوشه نهیه کسی، از سوی دیگر، سروش چگونه می‌خواهد بیان سرآیان کریم را توجیه کند، اینکه نمی‌شود ما که بگویم آیات قرآن کریم شهید پیامبر اعظم(ص) است، این روایات رسیده از ایشان(ص) را مورد توجه قرار ندهیم.
شاپیرو معقدهن به این نظره این اشکال را اطراف کند که این نوع روایات، تفصیل همان بابت است و دخلی به این نظر ندارد در پیامب باید بگویم درست است که این روایات تفصیل همان بابت است، ولی کدام عنق سلیم می‌پیشترد که خداوند معنی کلی را اتقا کرده باشد و بعد پیامبر خدا(ص) سلطان آن را تزوال دهد و در بین مردم عرضه کند و سیاست مجدد آنچه را برای فهمیدن بهتر، ساده کرده است، تفصیل دهد اکنون خود پیامبر(ص) این آیات را ارائه کرده است و کلام اوست، باید از همان ابتدا نیز به تفصیل آن را بدان کند.
اما در پیامب به اشکالی به این مضمون که سطح فکری و متقاضیات زمان امکان و مجال ابن کار را نمی‌دهد، این اشکال را نمی‌دهد در زمان خصوص در مکه قابل قول داشته، اما در مدنیه که رسول خدا(ص) رهبر و سردار هم به شاهی، جرا آیات را کلی گفته و بعد از آن تفصیل را در روایات مختلف بیان کرده‌اند.

تصویر روایات بر وجود محکم و منشابه در قرآن و ارتباط آن با صدور نظایر و معنی در روایات می‌بینیم که آیات قرآن کریم از جهتی به دو دسته محکم و منشابه تقسیم
شدیدان: "اثر الرضا" قال: "من بر می‌نشابه قرآن، آن را محاکم، محاکم، محاکم فقده به هنگام است. همیشه آن را محاکم کرده و محاکم کرده و محاکم کرده. این رضاء، رضاء، رضاء.

فرومان: کسی که متشابه قرآن را به محکومیت ارجاع دهد، در حقیقت به راه راست هدایت شده است. سپاس فرومان: همای در اخبار ما محکوم و متشابه است. همچون محکوم و متشابه قرآن پس متشابه آن را به محکوم آن ارجاع دهد.

همچنین است: "اثر ایه غدادر" قال سیبیه: "قبول ان قرآن به محکوم و متشابهه.

دارایی المحکوم: "همان، ج. 27، ص. 198، ج. 325، ص. 833، ج. 214، ص. 17، و دو فضانامه قرآن، ساختمان، الیس، بایدن مثون قرآن از منظر علماء طبیعتی و فقه آن در تفسیر القرآن.

تحلیل روایات

روایت در این باب، قرآن و فقط در روایت فوق جهت نمونه‌برداری شده است. حال

بحث در ابتدا، که تقسیم آیات قرآن کریم به محکوم و متشابه در روایات قرآن و

مرجع قرآن دادن محکومات درای فهم مشابهات نیز حاکی از نونل قرآن از سوی خداوند

در قابل متن موجود است. با این توضیح که مشابه و احکام از اعکاف دلانت فرآن و

وایسته به شاکیان و کلمات و عبارات قرآن است و طبق آیه هفتم سورة آل عمران,

این ویژگی در مرحله نزول تدریجی قرآن وجود داشته اما، نباید به طور حریمت، انجه

خداوند معنا را در مرحله نازل کرده سپس، از سنن الفاظ و عبارات بوده است. (مکا)

طباعی، 17، ص. 17، و دو فضانامه قرآن، ساختمان، الیس، بایدن متن قرآن از

منظر علماء طبیعتی و فقه آن در تفسیر القرآن.

سروش معتقد است که پیامی اسلامی، که معنا را که خداوند متعال به او می‌کرد.

کرده است در قابل الفاظ بهرنگی به دست مده را برای فهم بهی در مردم ساده

کنی (اصحابه گرامی محمد) اگر پیام اکرم صرفاً کاری انجام داده است، بس جوا

مجدداً ایتی را محکوم و مشابه قرار داده است. بعنی پیام اکرم و معیاری را در تالی

ساده بین کرده است و بعد مجدد همین الفاظ را به صورت محکوم و مشابه آورده

است!
مسئله نعمه مرجعیت به یک می‌دونیم مرجعیت است مرجعیت عالی مرجعیت و حیاتی در نظر می‌گیریم.}

تالیف و طراحی رواجات دنیه، آیه‌ای «فرآیند صرفه مرجعیت»

جمله‌ای: «آیه‌ای نمی‌بینم با لفظ در قرآن» (البته: 114) به‌طور کامل در قرآن‌نگاری و معتقدات حمله‌ای از قبیل آن قبیل یکی وجود دارد. در همین آیه، این است که قبل از تمام شدن و حیاتی از ناحیه فلسفه و فیزیک، در اینجا آن ع절ه می‌کنند. بنابراین آیه که واقعیت واقعی قرآن برای بنی‌امام، یکی از این موضوعات از اینچه در قرآن‌نگاری و قبل از تمام شدن و حیاتی آن عجله کنند. بنابراین به‌طور کامل، به‌طور کامل در معتقدات آیه‌ای دیگر است که در فرمولایندا (البته: 18-19)

نیازمندی نمی‌بینم، به‌طور کامل و کامل قرآن، قرآن می‌بینم. به‌طور کامل در معتقدات آیه‌ای دیگر است که در فرمولایندا (البته: 18-19)

مؤثر این موضع جمله‌ای است که می‌باید به‌طور کامل و کامل قرآن، قرآن می‌بینم. به‌طور کامل در معتقدات آیه‌ای دیگر است که در فرمولایندا (البته: 18-19)
روایت در تفسیر خوئینی در میان این آیه، این آیه آمده است و نسخته: "لا تَغْجِبَ بِالْقُرْآنِ مَنْ ْقَالَ أَنْ يَقْسِمَ إِبْلَيْكَ وَخُطْبَةَ وَقَالَ رَبَّ مَرْضَى، عَلَمَا قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلهَمْ ۚ إِذَا نَزَلَ اِلْقُرْآنُ بِأَنَّهُ يَقْسِمُ إِبْلَيْكَ وَخُطْبَةَ إِنَّ عُروْسَةً حَيْرِینُ ۛ حَسِينٌ، ج. 4، ص. 147، تفسیر: 376، ج. 2، ص. 412، زمانی که قرآن در رساله خداوند بناز شد، یکی از اینکه نسی‌نرون، ایبی و معنا باین باید، نشانه و ندت آن قرآن بس حداوند نوزل کرد... همانکنونه که در روایت، آمده است تأکید بر در نطف نسی‌نرون، یکی نسف آیه و دیگر نسف "هماهنگ عماماً نسی‌نرون، را به هر در نسیت داده است. عبارتی که جبرئیل بیان می‌کرده است، حین آن را تیم پیامبر نکوران می‌کردند و برگی از افسانه پیامبر در قرآن بر جبرئیل بیشتر می‌کرده که این نشان از بی‌پیامبر بودن متین در طرف دارد و حال اینکه جبرئیل مهدی دخبل و نصرتی در وحی نداشته و بنابر این درک کنند آن بود... از طرفی، قرآن زمانی مهم‌رسیده که لفظی در میان یافت. اگر به پیامب سروش در آن نقطه لفظی در میان نبود، به همین معنا بوده است. پس مفهوم معنی‌هایه نکوران در قرآن آیات خیصی ریا بیشتر کوتین در قرآن زمانی مهم‌رسیده که آنچه در دست جبرئیل است، با آنچه در دست پیامب اکرم بیک آدتی. حال اینکه به پیامبر سروش بیشتر در برخورد با عالی بالا، معنا را دریافت کرده است، ولضوف در مرحله برخورد با جامعه در میان است و با این تعريف، مسئله تعجیل مهم‌رسیده.

ظهور تناقض در نظریه بسط تجربی نیوی در تضارب با روایات
در این بخش به پیامبر عبارتی از نظریه بسط تجربی نیوی پیامبرکه که در واقع اعتقاد
پورسی کشفت نزول افتخار و معنوی فزان کریم از منظر روایات

به این عبارت، راه یا ناز می‌کنند تا سر انجام به نتیجه نزول صرف معنوی بر سر مسیر اسیر در مقاله بسط تحریریه تکبیر می‌نویسند: اقیانوس، کسب یا نامربا نیم‌کرده و صرف دیدن علماً به پیس یا حد علمان شهادت، نسوب نمی‌آورد. در بیانیه معنوی و عرضی از ماموریت مندرج است و همین است که در تجربیات معنوی عارفان وجود دارد. و در خانم‌شناسی این ماموریت رخت نیست بر می‌شود.

کلمه اصل تجربه و مکان‌سازی با چراغ می‌ماند."(اسرسو، ۱۳۸۷، ص ۶۹)

این تعبیر کاملاً مخالف با تعریفی است که در روایات می‌باید رسول و نیای بیان شده است، به روایت دفتم کتاب: "صحیح علی اکبر" (ج) (جلب) و "کتاب راوی". در کتاب "السند" و "بررسی غریبه"، و لحن در کتاب "عینک" و "فساد" و "بی‌خود" و "قسمت" به درستی سند است. (کتاب، ۱۳۸۷، ص ۱۷۶) یا در روایت از اباعبدال: "در روایت قول حداوند غریبه، که فرودد، می‌گوید این؟ راپید" که رسول که نسبت به هنر چه این بود؟ فرودند: نیای کسب یا نامربا رسول که ملک را در خواب می‌بیند و سکس باشد نست، اما با چشم را نیایی نیاید و رسول کسی است که صدای ملک را می‌شنود، و

در این روایت مشیری، برای نیای در نسیم تبابا در خواب و شیبید صوت را در مقوله و قابل شده است. در خالی که برای رسول حادثه برای نبود و چنین رسیست، نیای دینی ملک را نیای قابل شده است. در حادثه برای این راپید، سند، صوت را از طرف ملک زاری نباید. این ملک که این نشانه قائل لغو برای نباید اکرم است در ضمن بتلاری، تعریفی را که سرسوی بیان کرده است، به

اتهام می‌رساند.

همان‌گونه که در عبارات بالا همواره، سروس ترا تفاوت بین مقوله و قابل

نیای را با شهود و اهالی در نزد عارف در بود یا نبود این به ماموریت می‌داند و این در خالی است که در روایت بین نیای و رسول و بعد از آن امام هم فرقر قابل است، در صورتی که هر یا نیای گروه آن به ماموریت، با تعریفی خاصی برای خود دارند؟
۱۲۸
دوقفتنهٔ حديث‌های سال سوم، تمامه‌ششم، باب‌های و زمان ۱۳۹۰

حال چگونه ممکن است که بین پیامبر (ص) ویک غرفه ناقصی نباشد.
اینکه صرف تجربه دینی نیوت نمی‌آورد این باب صحیح نیست که مشخص هر
نوع برخورد انسان خاکی را با عالم بالا تجربه دینی داشته اما و در این راستا داستان
مادر حضرت عائشه ﷺ را مطرح کرد است در صورتی که این کونه نیست یعنی هر
نوع برخورد با عالم بالا تجربه دینی نیست، کما اینکه قوم لوط فیصد سوء را به دو ملک
مادر داشته‌اند مسایل‌هایی که قدمت‌هایی ایمنی یا از قبیل کسانی که عفاف‌مند می‌باشد
عده‌ای همیشه یکسان نافذیت به الله و نیز نخورنی در ضعیفی است به‌کسی ولایت رهبری چنین گفته‌اند و همین‌طور
یک‌باره همان‌طور که فادری در نصیرالدین حسین علی شکری می‌گفته، پس اینکه به‌کار رفته است
یک‌باره همان‌طور که‌یا در عالم با اینستیت‌های با عالم بالا تجربه‌های دینی نیست، زیرا تجربه‌های دینی مفهومی متعاقبی را
الفا می‌کند هر تجاوز به ملک را
با اینکه سامری ملک را دیده و مشتی خاک از جای بای یا زردانه و با یادیدانان آن
به روی مجسمه حضرت، اینه‌ای حضرت کرد می‌فرماید: یافته باید به لمیرزاوی به همیشه‌ی
فقطه مانند موعود، قناعت‌ها و کاذبیت مالبی می‌نفیسی (٩٦)
کرد (به جزیره هیده که آنها تدریجی از قسمتی از آن را که فیصد نخورنی)، سپس اینها افکدام، اگرچه تواب علی شکری
در تفسیر روابی دیل این آهه آمده است: ایستادن بی ما لم نیستور یکه فقیصد کننده
من اثر موعود قناعت‌ها؛ یعنی من تحت حافظ رلیل ولی در البحر فقیصدی‌ها آی
آماسکند (یافته، ١٣٣، ٢٧، ٣٣، ٤٥، ۴٤، ۴١، ٣۳، ١۳، ١زیری،
۱۷، ١٦، ١٦، ١٢) یعنی از جای بای مادیانی که جبرین بای آن یکمی بهد، در
دریازارود نبی بس مشتی خاک) برکوت.
تحليل روايات

كليف: توزع نفاذ وعنيف، فهو كرم من الروايات، تفسير كردي

هجهن سيرش وعند عصري از موريات در تجربه دهن لازمه نوش میرا

وهبه زعم أو داشتن تجربه دین همسره با اذن به موريات نتو است. اگر بنا بر
موريات باشد، مادر حضرت عيسى عليه السلام مورث به انجام دادن کارهایی بعد از نولد
فرزندش شدی می‌فرماید. فکلی و اشیری و فریغی عنیاً ترین از پیام‌هایی که قبلاً نوشته

(26) له‌جفر رستمی: آخرین آیهٔ انسیاب (نیشابور، مهدی، 1348.

هر کاه کسی از آنانها را عیدی (با شاره) یگونه‌ی برای خدایون حسان رژی یاد کرده‌ام، بنابراین
امروز با هفته‌ای که می‌گذرد، در این دوران فرمان از تو دفاع شوید. گردا

سیرش می‌نویسه‌ان: این مرتبه‌ان حریفای دینی، روزای صالح است و مرتب
بالترا، اذواق و مواقف و مکاتبات عفرانه از این طریق، بینه به نوش را طلب کن، نه
ازدنا کردن عصب و شکافتن ماند چون این راه، اگر فرمان دیگر به آنها افزوده نشود.

می‌بینم است از جنس سحر و تخل جلوه کنند.» (سراوی، ص.

پس سیرش به دست‌بندی خاص بین الهماسی دست بزند و روزای صالح را

بابین‌ترین مرتبه تجربه دینی عنوان کرده، بالارین تجربه دینی مکاتبات عفرانه‌ا

دانست، حال در تعريف رسول و نبي می‌خواهیم: می‌خواهیم غنی‌ترین دینی از دینی

وغدای‌ها.»
جُمِّعَ فِي يَسِيرُ هِذِهِ قَرَانَهُ فَمَا الرَّسُولُ وَاللَّهُ ﷺ وَالنَّبِيُّ ﷺ وَهُوَ الْبَشْرُ الْيَدِيُّ الَّذِي يُظْهَرُ لَهُ الْمَلَكُ في كِتَابِهِ وَلَهُ الْمَلَكُ الْيَدِيُّ الَّذِي يُظْهَرُ لَهُ الْمَلَكُ في كِتَابِهِ وَلَهُ الْمَلَكُ في كِتَابِهِ وَلَهُ الْمَلَكُ في كِتَابِهِ

۱۸۸۵، باب فرق بين الرسول و النبي و المحدث، ص ۱۷۵

همان کونه که در روایت بیان شده است، نیست به واسطه رؤیایی یاد آمده را دریافت

می کند. جکوبه ممکن است ما بتوانیم این مرتبه از وحی را جوزه بپذیریم و مراحل

داستان و آن وقت شفه‌های عارفی را که حتی خود به حجت کلام خود اطمینان

ندارد. جزء بالاترین مراتب تجربه دینی به کنیم. بشارت ابراهیمی. به‌فرزادیار شسدن

از ساره مهم‌تر بود. دستور ذبح اسحاق‌ی‌لی. در حالی که در پیش او ملک در

ظراف ناسان بر ابراهیم‌ی‌لی. وارد شد. آن‌جا که می‌فرمایید. چکنی به‌افکار کنید. لذا نباید

رازنده باشد. نباید که قانونی باشد. قانونی که درباره به این امر به‌افکار کنید. لذا

خب نباید. قانونی که از امر الله جعلیت آنی. افراد خداوند آنی. هرکسی علیکم اهل‌الیت. از اموی‌های مسیحی

(هرود ۱۲۷)
اینکه کفیت اهمیت فنح اسماعیل، بهترین از بشارت تولد اصحاب است، این باب است که بشارت تولد اصحاب یکی از بانوان هایی است که خداوند متعال برای کار مهمی که ابراهیم را در ذهن اسماعیل انجام داده بود، به وی عطاء کرد، انجا که

۱۳۱

به هر حال، ابوبکر کبیر نیز به منظور رواج و پذیرش این روایت تولد، به مردم این نشریه را انتخاب کرده و حوله به دلیل اصلی واژه‌های‌ی ادبی، با عناصر مختلفی در چنین افکاری‌ها که دیده‌اند نگاهی تک‌اکیری

یعنی این‌ها به بررسی موضوع، ظریفی هستند. و تشریحاً به تکنیک‌هایی در این اجلاس. سالم و یک‌شاخه در این‌جا، دیده‌اند از نفی‌ها و اشکالینه‌ی اسلام:

\[ \text{همان‌نام} \] \( ۱۳۱ \)
نتیجه‌گیری

بر اساس صراحت رواجات اشاره شده که قرآن کریم به زبانی خاص نازل شده و موضوع زبان قرآن زمانی مطرح می‌شود که لفظی با الفاظی در میان باشد. قانون این دلیل با تصور برد رواجات بر اینکه این ترکیب از سوی خداوند متعال بوده، قطعی می‌شود. از سوی دیگر، مسئله تعریف بین قرآن و ستیز، خود دلیلی به نزول لفظی است. ولی آنچه در ست ماهی نیز از طرف خداوند متعال به رسول اکرم آموزش داده شده است و ایشان محقق قرآن، فعلاً و تقریر دارد از آن منبع، فیض است. بنابراین، اکرم به دلیل لفظ سة، خواهد بود که دلیل، در تفسیر ست قرآن و نور احاطه قلمی چیست؟ همچنین، دستیابی رواجات از آیات قرآن کریم به محکم و مشابه خود دلیلی بر این ادعای زیر مطلق به نظر نمی‌رسد که رسول خداوند این امر را غیر محکم و مشابه درا خوانده‌کند. و در واقع برای همین مطلب و مشابه علاوه ارجاع دهید همچنین تقابل رواجات که ایجاد گریزدا ممکن است.

به سه روسی، نظریه‌سوی، جالش‌های فراوانی را برای تجربه ویژه دارد و خود از مصداق بحث که ذکر گرفته در مورد متعلق، اهلی است، بنابراین با حوزه‌نوازی در بررسی و معنای آیات وارد نشده که تمامی جواب‌ها را پیشنهاد نمی‌باشد و ممکن است تعدادی کلیه به طرح مطابق اکتفا کرده است.
پیش‌نوشت‌ها:

۱. مقاله «بسط تجویزی نوی»، ضمن تحریک شدیدیِ سخنرانی دکتر عبدالکریم سروش است که در تاریخ دوم مرداد ۱۳۷۷ به مناسبت میلاد پیامبر (ص) از کتابخانه ایران کرده است.

۲. انرژی نیرویی بسط تجویزی نوی، سروش که به کمک آن را با میلاد هموکارداد به بخش عربی رادیو جهانی هنده، در مورد همین نظریه، در دی ماه ۱۳۶۷، انجام داد که به کلام محمد معروف شد.

۳. این پژوهش در پژوهش نامه مطالعات و حجاب (سال سوم، شماره ۷، تابستان و جانواد ۱۳۸۸) منتشر شده است.

۴. خوشنویسانی که در مفاتیح بسط تجویزی نوی به کتاب مسیحی، تفسیر فردان نوشته‌ای بیدر و روحی کنند.

منابع:

۱. القرآن الكريم.

۲. ابن غفار، ابنحسن احمد: مجموع المفاتیح اللغه، ایران: دارالحیات، ۱۴۴۸، ۱۴۷۸.

۳. حرف، سید هاشمی: برگزاری در تفسیر القرآن، جیران: دبیر خانه، ۱۳۴۸، ۱۴۱۲.

۴. رائفي اصفهانی، حسین بن محمد: مفاتیح، فردان: دارالعلوم، ۱۳۴۸.

۵. سروش عبدالکریم: بسط تجویزی نوی، ج۵، تهران: صدر، ۱۳۷۸.

۶. شیخ محمد بن محمد: نظریه و نظریه عربی، رادیو هنده، ۱۳۴۸.

۷. علی‌اکبر محقق: جامعه دیسپنسر جوزه علمیه، ۱۳۴۸.

۸. محمد بن حسین بن فروغ: صاحب الدرجات، فرهنمای کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۱۴.

۹. طاهری، سید محمد حسین: مشیانی، تفسیر القرآن، ج۵، دیسر، علمیه، ۱۳۷۸.
11. عالمی، شیخ جهانپن، الشیخ؛ فم، مؤسسه آل البيت، 1359 ق.
12. عوویسی حمیدی، علی موسوی، جمعه، تفاوت‌های، ج: 4، فم: اسلام‌آبادی، 1345 ق.
13. فیض خانی، ملا حسین، نویسندگان؛ تفسیر القرآن، ج: 3، تهران، 1345 ق.
14. قرآنی، مسیح، علی اکبر، قیام، قرآن قرآن، ج: 3، تهران، دارالکتب الامامیه، 1371.
15. قلی، علی بن ابی‌هشم، تفسیر قرآن، ج: 3، تهران، دارالکتب، 1377.
16. کاویی، محمد، بن محمد، الباقی، ترجمه صادق حسینی، ج: 2، قلم: آل محمد، 1389.
17. مسلم، محمد، بن محمد، الباقی، بحار الامام، ج: 5، تهران، کتاب‌های، 1383.
18. مرداب، سید، محمدرضا، مقدم، تفسیر قرآن، ج: 1، فم: نشر دانشگاه، قم، 1386.

ترجمه آمیز بزرگترین از ترجمه ناصر مکارم شیرازی است.